

همصدا و متحد به تدارک

اول ماه مه، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر برویم

سیروان پرتونوری

سوم اردیبهشت ماه هشتاد و هفت

۱۱ اردیبهشت روز کارگر است، اول ماه مه روز جشن کارگران است. بیش از صد سال است که کارگران در این روز در سراسر جهان دست از کار می کشند. مراسم خود را بر پا می دارند، به جشن و شادی میپردازند و عهد و پیمان و همبستگی جهانی خود را تجدید میکنند. کارگران هر جا که باشند از هر صنف و رشته ای، از هر زبان و نژاد و ملیت و مذهبی، با هر عقیده و مرامی کارگرند و توسط سرمایه داران استثمار میشوند. کارگران در این روز به دور هم جمع میشوند تا اتحادی پایدار تر و محکمتر پایه ریزی کنند تا این نظام ظالمانه سرمایه داری را از ریشه براندازند تا خواست هایشان را به دست آورند. تا یک صدا فریاد بر آورند زنده باد آزادی، زنده باد برابری، زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری.

در مقابل خواست و آرمانهای کارگری در آکسیونهای اول ماه مه، نظم وارونه جهان سرمایه داری قرار گرفته است. حرکت آزاد سرمایه داری در حالیکه برای افزایش سود، مرزها را در نور دیده و بیشتر از هر زمانی جهانی عمل میکند، در همان حال همزمان بشریت استثمار شده را با پروراندن تمایلات نژاد پرستانه، مذهبی و قومی، متفرق و در مقابل هم قرار میدهد تا بتواند این نظام وارونه و ضد انسانی را همچنان بر کارگران تحمیل کند و با پیدایش اولین نشانه های بحران به سفره های بی رونق شان بیشتر پورش آورد و خواست حداقل رفاه و امنیت شغلی را برای آنها به رویایی دست نیافتنی تبدیل سازد.

می دانیم که در اول ماه مه سال ۱۸۸۶ میلادی، پلیس شیکاگو با حمله به تظاهرات گسترده کارگران که برای هشت ساعت کار در روز و حق تشکیل اتحادیه های کارگری برپا شده بود، آنان را به خاک و خون کشید. چند روز بعد از این واقعه دادگاه چند تن از رهبران کارگران را محاکمه و به مرگ محکوم کرد. یکی از رهبران کارگران اعتصابی، پس از اعلام رای در برابر دادگاه چنین گفت: «کارگران اینک دریافته اند که می توانند با اتحاد و همبستگی و مبارزه جمعی بر مشکلات خود فائق آیند. آنان بر قدرت عظیمی که در اتحادشان نهفته است آگاهند، به همین دلیل کارفرمایان با تمام توان می کوشند تا اتحاد کارگران را بشکنند؛ ما کارگران گردهم آمدیم تا اندکی از حقوق خود را باز پس گیریم؛ اما از دادگاه و زندان سر در آوردیم. این است معنای برابری و عدالت در جامعه ما؟ امروز اگر صدای حق طلبانه ما را با گلوله خفه می کنید، مطمئن باشید که این صداها از این پس خاموش شدنی نیست، بلکه هر روزی طنین آن رساتر خواهد شد.» رهبران کارگران شیکاگو جان باختند؛ اما حقانیت مبارزه و گفته هایشان، سال ۱۸۸۹ میلادی در کنگره بین المللی کارگران در پاریس، با نامیدن روز اول ماه مه (یازدهم اردیبهشت) به عنوان روز جهانی کارگر اثبات شد. از آن تاریخ، در بسیاری از کشورهای دنیا، کارگران با برپایی تظاهرات گسترده این روز را گرامی می دارند و در تجمعات

خود علیه سرمایه‌داران و آلترناتیوهای طبقاتی خود سخن می‌گویند. اما جالب است که دولت ایالات متحده آمریکا، که همواره ادعای آزادی‌ترین و دموکرات‌ترین کشور جهان را دارد، از معدود کشورهایی است که این روز را به عنوان روز کارگر نپذیرفته است.

کنگره موسس انترناسیونال دوم، قطعنامه‌ای صادر کرد که در آن تمام کارگران جهان را به اعتصاب و تظاهرات در اول ماه مه ۱۸۸۰، فراخواند. در این روز، کارگران اروپا، آمریکا و نیز چند کشور آمریکای لاتین به این فراخوان پاسخ مثبت دادند. در این روز فقط در هایدپارک لندن نیم میلیون کارگر تجمع کرده بودند که فردریش انگلس، یار دایمی مارکس نیز در آن حضور داشت. از آن تاریخ اول ماه مه، به عنوان روز جهانی کارگر گرامی داشته می‌شود. کارگران ایران یکی از بی حقوق‌ترین و محرومترین بخش‌های طبقه کارگر جهانی را تشکیل می‌دهند، که تحت حاکمیت بیش از سه دهه رژیم اسلامی در موقعیت بغایت دشوارتر و محرومتری قرار دارند. بی‌کاری گسترده، گرانی، بی‌مسکنی، قانون کار ضد کارگری، همه و همه عرصه را بر توده کارگر و محروم جامعه ایران تنگ‌تر از همیشه کرده‌اند. در ایران کارگران از حق اعتصاب و حق برپایی تشکل‌های طبقاتی خود محرومند. بورژوازی ایران چه انهایی که در حاکمیت هستند و چه آن بخش‌هایی که خارج از حاکمیت قرار دارند، میکوشند از یک طرف بمنظور تطبیق خود با نیازهای سرمایه جهانی و رهایی از گرداب عمیق بحران سیاسی، اقتصادی موجود و از طرف دیگر در برابر موج فزاینده اعتراض عمومی مردم، خود را از نو سازمان دهند و تمام این پروسه به بهای فشار و در تنگنا قرار دادن بیشتر طبقه کارگر و محرومان جامعه ایران پیش رفته و میرود.

امروز در شرایطی که جنب و جوش گسترده‌ای در جبهه بورژوازی برای چاره‌جویی بحران سیاسی موجود در جریان است و بورژوازی ایران میکوشد بمثابه یک طبقه، دستگاه رهبری سیاسی خود را متحد و منسجم نماید و با وجود اینکه طبقه کارگر ایران از لحاظ توان و موقعیت اجتماعی خود از هر لحاظ قادر است به نیروی هدایت‌کننده و به محور مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی تبدیل شود، اما برای وارد شدن در کشمکش‌های سیاسی جاری، عملاً فاقد آمادگی سیاسی و سازمانی لازم است و صفوف آن همچنان پراکنده است. مبارزات کارگران در سال‌ها و ماه‌های اخیر زمینه امیدبخشی برای پیشروی این طبقه در عرصه جدال‌های اجتماعی و طبقاتی جاری را به وجود آورده است. ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری، اتحاد و همبستگی بادیگر جنبش‌های اجتماعی، اعتصاب‌های پی‌در پی را میتوان بعنوان نخستین دستاورد این مرحله از مبارزات کارگران ایران به دشمن تحمیل کرد. تنها در چنین صورتی است که تلاش‌های بورژوازی ایران برای به بیراهه کشاندن مبارزات طبقه کارگر با شکست روبرو خواهد شد و مطالبات و اهداف کارگران به صدر شعارهای جنبش توده‌ای جاری کشیده میشود.

طبقه کارگر ایران، به عنوان بخشی از طبقه کارگر جهان، در این روز با اتحاد و همبستگی میلیونی دست به نمایش قدرت می‌زند و با تصویب قطعنامه‌های خود در طول سال برای تحقق مواد آن می‌کوشد. بنابراین، سازمان‌دهی اول ماه مه‌ها در راستای مبارزه برای آزادی‌های فردی و اجتماعی و تشکلیابی و اتحاد و همبستگی کارگری نقش و تاثیر به‌سزایی دارد. گرایش‌های راست و رفرمیست درون جنبش کارگری، اول ماه مه را صرفاً به یک روز «جشن کارگری» تبدیل کرده‌اند و جوهر مبارزاتی آن را گرفته‌اند.

دولت و احزاب حاکم نیز سعی می‌کنند اول ماه مه را به روز تبلیغاتی انتخابات پارلمانی و حزبی‌شان تبدیل کنند. از این

رو تاکید بر مضمون و محتوای سیاسی - طبقاتی اول ماه مه و جایگاه آن در درون جنبش کارگری سوسیالیستی امری مهم و ضروری است.

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روزی است که کارگران جهان بدون در نظر گرفتن ملیت، جنسیت و صنف، با سر دادن شعارها و مطالبات خود در خیابان‌ها دست به راهپیمایی می‌زنند و در مقابل سیستم سرمایه‌داری قدرت طبقاتی خود را به نمایش می‌گذارند.

اکنون ما اول ماه مه در جهان را در شرایطی پشت سر می‌گذاریم که سرمایه جهانی شده است و دست کم در دو دهه اخیر بورژوازی در همه کشورها به طور بی‌سابقه‌ای به دستاوردهای دوره گذشته طبقه کارگر تعرض کرده است. از هم اکنون دستجمعی تصمیم بگیریم یک پارچه مراسم و جشن های اول ماه مه را با شکوه تر از همه سال بر پا داریم ، تا اتحاد و همبستگی خود را استوارتر سازیم و رزم دلیرانه مان را برای از بیخ و بن در آوردن این نظام ظالمانه به پیروزی نزدیکتر گردانیم.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران

زنده باد سوسیالیزم

سیروان پرتونوری

۱۳۸۷/۲/۳